

وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٦﴾ وَلَا تُجَادِلْ
عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ
خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿٧﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ
مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ ۚ
وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿٨﴾ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ
عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٩﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ سَوَاءً أَوْ
يَظْلِمِ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا
﴿١٠﴾ وَمَنْ يَكْسِبِ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبْهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۖ وَ
كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾ وَمَنْ يَكْسِبِ خَطِيئَةً أَوْ
إِثْمًا ثُمَّ يَرِمْ بِهِ بَرِيئًا فَقَدْ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿١٢﴾ وَ
لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ
يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ ۚ
وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ
تَكُن تَعْلَمُ ۚ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿١١٣﴾

سرآغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سمت رشد و کمال، اندیشه و تفکر است؛ موضوعی که در بخش اول با محوریت تفکر پیرامون خدا، آثار و صفاتش، سنت‌های او در جهان هستی به‌ویژه زندگی انسان به آن پرداختیم.

اما ^B گام بعد، حرکت برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است که با انجام دادن مجموعه‌ای از کارها (واجبات) و ترک برخی از امور (محرمات) در قلمروهای مختلف ممکن است. ^B

بیانگر توحید عملی

هرچند این مسیر با دشواری‌هایی ممکن است همراه باشد اما یادمان نرود که خداوند، قدرتمندترین قدرتمندان، پشتیبان ما در این مسیر است: علت

معلول
فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ

وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

مفهوم آیه: بیانگر گام دوم حرکت به سمت کمال یعنی کسب کمالات و مدارج معنوی انسانی

بیانگر توحید در ربوبیت

و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست، هدایت کند.

A. سرآغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سمت رشد و کمال چیست؟ پاسخ: اندیشه و تفکر

B. پس از اندیشه و تفکر، گام بعدی برای رسیدن به رشد و کمال کدام است؟ توضیح دهید.

C- خداوند چه کسانی را به سوی خود و به راه راست هدایت می‌کند؟ فارح عمومی ۹۹

- (۱) ﴿أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا﴾
- (۲) ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ﴾
- (۳) ﴿آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا﴾
- (۴) ﴿أَقَمْنِ أُسُسَ بَنِيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ﴾



درس هفتم

در گرو کار خویش

در درس گذشته، با چند مورد از سنت‌های الهی از جمله «نقش عمل انسان در سرنوشت او» آشنا شدیم و نمونه‌هایی از این تأثیر را مطالعه کردیم. اما یک سؤال اساسی در رابطه میان انسان و عمل او وجود دارد که لازم است به‌طور جدی درباره آن بیندیشیم و ببینیم که قرآن کریم و پیشوایان دین درباره آن، چه رهنمودی به ما داده‌اند. آن سؤال اساسی این است که: عمل انسان چه نقشی در ساختن شخصیت او دارد؟



۱. انسان با قدرت اختیار خود می تواند چه کارهایی انجام دهد؟

۲. "انسان گنه کار در گرو کار خویش است" این جمله به چه معناست؟

درباره ارزشمندی قدرت اختیار بارها توضیح داده شده است که انسان به کمک همین ویژگی می تواند مراحل کمال را یکی پس از دیگری بیاماید و به تعبیر سعدی:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت
طیران مرغ دیدی تو ز پابیند شهوت به در آی تا ببینی طیران آدمیت

انسان همان طور که با قدرت اختیار خود می تواند راه کمال را طی کند، با همین توانایی می تواند در مسیر شقاوت پیش رود و هلاکت خود را رقم بزند (یعنی عواملی همچون شیطان، شرایط فرهنگی و اجتماعی، دوستان، رسانه ها و هر عامل دیگر فقط در حد وسوسه و تحریک نقش دارند و این، خود انسان است که سرنوشت شقاوت بار خود را رقم می زند و آینده خود را تباه می سازد. پس انسان گنه کار در گرو عمل خویش است) ۲

اشاره به شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن از سرمایه های انسان

تدبر در قرآن

آنگاه [تشخیص] بدکاری و پرهیزکاری را به آن [نفس انسان] الهام کرد.

که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد.
و هر کس آن را آلوده کرد، قطعاً محروم شد.

قَالَهُمْهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

مفهوم کلی: اختیار زمینه ی کمال یا شقاوت

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا
وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

۱- در این آیات یک بشارت وجود دارد و یک انداز، آنها را مشخص کنید.
بشارت: عبارت قد افلح: این عبارت به کسانی که وجود خود را پاک سازند بشارت رستگاری می دهد.
انذار: عبارت قد خاب: این عبارت به کسانی که نه تنها نفس خود را پاک نمی کنند بلکه آن را آلوده می کنند به محروم شدن از رستگاری هشدار و انذار می دهد
۲- این بشارت و انذار نشانه چه حقیقتی است؟ اهمیت اختیار انسان در سرنوشت

بیشتر بدانیم

قرآن کریم در ابتدای گفت و گویی از بهشتیان با دوزخیان می فرماید:
هر انسانی در گروی کاری است که کرده و باید جوابگو باشد که چرا این زیان را به خود یا دیگری رسانده است.
سپس آن گفت و گو را چنین بیان می کند تا نشان دهد که دوزخیان در گروی چه رفتاری بوده اند:

۱- سورة شمس، آیات ۸ تا ۱۰.

۲- سورة مدثر، آیات ۳۸ تا ۴۸.

۳. هر انسانی به طور فطری گرایش به چه کار هایی دارد و از چه چیزهایی بیزار است؟

۴. چرا خداوند حکیم امیال و غرایز و گرایش‌های گوناگونی را در وجود انسان قرار داده است؟

۵. چرا بسیاری از انسان‌ها به سوی گناه می‌روند و مرتکب گناه می‌شوند؟ پاسخ: به علت طغیان یک یا چند میل و غریزه عرصه بر گرایش‌های انسان به خیر تنگ می‌شود و گناه می‌کند. به عنوان مثال کسانی که به مردم ظلم می‌کنند قوه غضبش را از اعتدال خارج کرده و از آن نادرست استفاده می‌کند.

اصحاب یمین از مجرمان می‌پرسند: چه چیزی شما را به راه دوزخ کشاند؟
آنان با تأسف می‌گویند: ما نماز گزار نبودیم و توجهی به بینوایان نداشتیم و آنان را اطعام نمی‌کردیم و پیوسته با اهل باطل هم‌نشین بودیم و روز قیامت را تکذیب می‌کردیم که ناگهان مرگ آمد و ما را دربرگرفت.

پس از آن خداوند با حالتی تأسف‌آمیز می‌فرماید: کار اینان به جایی رسید که حتی شفاعت شفاعت‌کنندگان نیز برای آنان سودی نداشت. سپس خداوند، ما را به علت اصلی این سرنوشت وحشتناک توجه می‌دهد که اینان از هر اندرز و نصیحتی فرار می‌کردند، همان‌طور که چهارپایان از حمله شیرهای درنده فرار می‌کنند.

زمینه‌های گناه

۳ (هیچ انسانی به طور فطری به دنبال ظلم، خیانت، دروغ‌گویی، تجاوز به حقوق دیگران و سایر اموری که گناه و بدی نامیده می‌شوند، نیست؛ بلکه برعکس، انسان‌ها عدل، امانت‌داری، صداقت، عفت، پاکدامنی، حیا و اموری که عمل صالح و خلق نیکو محسوب می‌شوند را دوست دارند) ۳ می‌خواهند که دیگران هم نسبت به آنان راستگو و درست‌کردار باشند.

ممکن است بپرسید: پس چرا برخی از انسان‌ها به سوی گناه می‌روند و مرتکب گناه می‌شوند؟ در تبیین علت و چرایی حرکت انسان به سمت گناه می‌گوییم:

۴ (خداوند حکیم امیال و غرایز و گرایش‌های گوناگونی در وجود انسان قرار داده تا به وسیله آنها حیات مادی و معنوی خود را سامان دهد و تکامل بخشد؛ امیال و غرایز برای حیات مادی و گرایش به خیر و نیکی برای حیات معنوی.) ۴

آنچه در این میان مهم است این است که انسان باید حد و مرز این امیال و غرایز را رعایت کند و آنها را کنترل نماید تا طغیان یک یا چند میل موجب نشود تا انسان گرایش‌های معنوی خود را به فراموشی سپرد و همه زندگی خود را صرف امیال مادی کند.

۶ (تمایلات مادی در انسان شبیه به جریان آب در طبیعت است. اگر آب، که مایه حیات انسان و گیاهان و حیوان‌هاست، هدایت و کنترل شود و در پشت سدها و در مزارع و رودخانه‌ها به طرز صحیحی استفاده گردد، موجب آبادانی می‌شود؛ اما اگر همین آب کنترل نشود و به صورت سیل و سیلاب جاری شود، تخریب و ویرانی به بار می‌آورد) ۶ بنابراین، اگر امیال مادی انسان کنترل نشود، این امیال سر به طغیان

۶. تمایلات مادی انسان شبیه چه چیزی است؟

۸۴

۷. وظیفه قوه غضب در هنگام خطر چیست؟ چه وقت موجب گناه می‌شود؟

پاسخ: دفاع از مردم هنگام خطر زمانی — زمانی که دیگران را زیر سلطه ببرد و اموالش را تصاحب کند.



۸. با مثالی فایده ی امیال و غرایز و گرایش هایی که خدا به ما داده را بیان کنید و بگویید چه زمانی این امیال و غرایز منجر به گناه می شوند.

۹. آیا محدود کردن تمایلات مادی و حیوانی انسان در احکام الهی سبب حریص تر شدن انسان می شود؟ دلیل بیاورید. برداشته و انسان مرتکب گناه می شود.

به طور مثال، یکی از قوای وجودی ما قوه غضب است. خداوند این قوه را در انسان قرار داده تا در مواقع خطر از خود دفاع کند و با متجاوزان مقابله نماید. اما اگر کسی حد و مرز این میل را رعایت نکند و مردمان دیگر را زیر سلطه و قدرت خود قرار دهد و اموال آنان را به چنگ آورد، از این قوه سوء استفاده کرده و مرتکب گناه شده است. ظالمین و متجاوزان به حقوق مردم در جهان، کسانی هستند که از این قوه استفاده نادرست کرده اند. ۸

بررسی

چه عواملی امروزه سبب می شوند تمایلات مادی ما تحریک شوند و از حد اعتدال خارج گردند؟ آنها را شناسایی کرده و نام ببرید. قانع نبودن و نداشتن اعتماد به نفس بالا - توجه افراطی به مسائل مادی - غرق شدن در دنیای مجازی

پاسخ به یک پرسش

ممکن است بپرسید با توجه به این سخن که انسان از هر چیزی منع شود نسبت به آن حریص تر می شود، آیا محدود کردن تمایلات مادی انسان توسط احکام الهی، سبب حریص تر شدن انسان و طغیان آن میل نمی شود؟ در پاسخ به این سؤال می گوئیم :

۹) اولاً؛ احکام الهی انسان را از توجه به امیال مادی منع نمی کند بلکه توصیه به استفاده معتدل از آنها می نماید.

ثانیاً؛ انسان به چیزی حرص می ورزد که نسبت به آن تحریک شود. انسان ها در زندگی اجتماعی خود از بسیاری از امور منع شده اند اما هرگز نسبت به آن حریص تر نمی شوند؛ مثلاً در و دیوار منازل شخصی مردم، دیگران را از ورود بدون اجازه به آن منع می کند، اما وقتی انسان از کوچه و خیابان گذر می کند نه تنها نسبت به این منع هیچ حرصی ندارد، بلکه آن را پسندیده و لازمه زندگی اجتماعی می داند. بنابراین، ۱۱) حریص شدن انسان نسبت به برخی امیال مانند میل جنسی نه به خاطر محدود کردن آن، بلکه به خاطر تحریک انسان ها توسط برخی رسانه ها، فیلم ها، پوشش نامناسب برخی افراد و... است. ۱۱

ثالثاً؛ برخی افراد منافع و تجارتشان در گسترش و افراط در تمایلات مادی است و به دنبال حریص تر شدن مردم هستند. ۹

۱۰. انسان ها نسبت به چه چیزی حریص می شوند؟

پاسخ : انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن منع شود و هم نسبت به آن تحریک شود.

۱۱. حریص شدن انسان ها نسبت به برخی امیال مثل میل جنسی نتیجه ی چیست؟



۱۲. چرا افراد شهوت ران به استفاده ی متعادل از تمایلات نام منع می گذارند؟
۱۳. با وجود اینکه انسان به طور فطری خیر و خوبی را می خواهد اما باز گناه می کند چرا؟

و کسانی که از شهوات پیروی
می کنند، می خواهند
شما به انحراف بزرگی دچار شوید.

و يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ

منافع برخی افراد در گسترش و افراط در تمایلات مادی است.

أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا

۱۲ (این افراد شهوت ران به استفاده متعادل از تمایلات نام منع می گذارند تا این گونه القا کنند که دین اسلام، انسان ها را از توجه به امیال و غرایز مادی منع کرده است) ۱۲

ایمان، پشتوانه ای محکم برای دوری از گناه

همان طور که توضیح داده شد، انسان به طور فطری گناه را دوست ندارد و فضیلت و خیر را می خواهد.

اما این مسئله سبب دوری از گناه نمی شود، ۱۳ (زیرا چنان که گفته شد، عوامل تحریکی ممکن است زمینه توجه بیش از حد انسان به تمایلات حیوانی شود و برای رسیدن به آن تمایلات مرتکب گناه گردد) ۱۳ بنابراین ما نیازمند یک پشتوانه محکم برای دوری از گناه هستیم و این پشتوانه محکم چیزی جز ایمان به خداوند نیست. ایمان به خداوند از چند جهت پشتوانه دوری از گناه است :

۱۵ (۱- انسان مؤمن می داند که خداوند ناظر کارهای اوست. از این رو حیا می کند که در پیشگاه او مرتکب گناه شود. در صورتی که گناهی هم از او سرزند از خداوند شرمند می شود و توبه می کند.

۲- انسان مؤمن می داند که خداوند انسان را بیهوده نیافریده و نسبت به اعمال وی بی تفاوت نیست؛ در روز حساب، به نیکوکاران پاداش می دهد و بدکاران را مجازات می کند. توجه به این مسئله، باعث می شود فرد مؤمن سعی در دوری از گناه داشته باشد.

۳- انسان مؤمن در سرگردانی قرار ندارد. خداوند او را راهنمایی کرده و مشخص نموده که چه کارهایی گناه و حرام و چه کارهایی واجب است. او با اعتماد و اطمینان به دستورات الهی عمل می کند و به سوی سعادت و رستگاری پیش می رود) ۱۵ خداوند در قرآن کریم می فرماید :

به راستی که مؤمنان پیروز و رستگارند.

همانان که در نمازشان خاشع و فروتن اند.

و آنان که از بیهوده کاری رویگردانند.

و آنان که انفاق مال انجام می دهند.

و آنان که پاکدامنی می ورزند و فقط از همسران خود بهره می گیرند.

و آنان که امانت دارند و بر سر پیمانشان استوارند.

و آنان که از نمازهای خود محافظت می کنند.

۱- سوره نساء، آیه ۲۷.

۱۴. انسان، نیازمند یک پشتوانه محکم برای دوری از گناهان است و آن پشتوانه، است. پاسخ: ایمان به خداوند



۱۶. یکی از بالا ترین مراحل بهشت کدام است؟ پاسخ: فردوس

۱۷. چرا برخی مومنین گناه می کنند؟ پاسخ: ۱. خیلی افراد فقط ادعای مسلمانی دارند و به خدا و دستوراتش ایمان ندارند. ۲. ایمان افراد شدت و ضعف دارد افراد با ایمان ضعیف بیشتر گناه می کنند. و عدم تلاش برای تقویت ایمان توسط آنان ۳. بی توجهی و ارتباط ضعیف با خداوند
اینان وارث وعده های زیبای خداوند هستند و «فردوس» را که یکی از بالا ترین مراحل بهشت است، برای ابد به ارث می برند.^۱

بررسی یک مسئله

با توجه به مطالب قبل ممکن است این سؤال به ذهن انسان خطور کند که پس چرا برخی مؤمنین گناه می کنند؟ پاسخ به این سؤال نیازمند تأمل و دقت است. از همین جهت، آن را در چند بند پاسخ می دهیم:

۱- باید توجه داشته باشیم ایمان به خدا با اینکه کسی ادعای ایمان بکند، متفاوت است؛^{۱۸} ایمان به خدا یک امر قلبی است. ممکن است کسی به زبان بگوید خدا و دستورات او را قبول دارم، اما هنوز اعتقاد به

خدا وارد قلبش نشده باشد. چنین کسی معمولاً از دستور خدا سرپیچی می کند و مرتکب گناه می شود.^{۱۸}

۲- حتی افرادی که به خداوند ایمان دارند از لحاظ درجات ایمان متفاوت اند؛ به عبارت دیگر، ایمان انسان ها شدت و ضعف دارد، ایمان یکی ضعیف است و ایمان دیگری قوی و ایمان فرد دیگر قوی تر.

میزان دوری مؤمن از گناه با درجه ایمان و دلبستگی وی به خداوند ارتباط دارد. هر قدر ایمان قوی تر باشد، دوری وی از گناه نیز بیشتر است. با این میزان می توانیم درجه ایمان افراد پیرامون خود را

بسنجیم^۲ (آنان که بیشتر از گناه دوری می کنند، ایمانشان قوی تر است)^{۲۰}

^{۲۲} (انسانی که ایمان ضعیفی دارد، اگر ایمان خود را تقویت نکند و به گناه آلوده شود، به تدریج به گناه

عادت می کند و به جایی می رسد که همین ایمان ضعیف را هم از دست می دهد و همه حقایق، حتی خدا را انکار می کند) قرآن کریم می فرماید: ◀

از دست دادن ایمان نتیجه ی عدم تقویت ایمان و عادت به ارتکاب گناه

سپس سرنوشت آنان که

مرتکب گناه شدند

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

أَسَاءُوا السَّوْأَى

أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ

وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ^۳

چنین شد که نشانه های خدا را تکذیب کردند
تکذیب و تمسخر آیات نشان از افراد گرفتار شده در سنت املا و استدراج دارد
و آن نشانه ها را به باد تمسخر می گرفتند

^{۲۳} (اگر انسان هنگامی که اولین گناه را مرتکب می شود، شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند،

به شدت از آن بیزاری می جوید و دوری می کند. اما چون آن شخصیت آلوده به تدریج شکل می گیرد، در

۱۸. ایمان به خدا با کسی که ادعای ایمان دارد چه تفاوتی دارد؟

۱۹. میزان دوری مومن از گناه چه چیزی بستگی دارد؟ پاسخ: به درجه ایمان و دلبستگی و خداوند

۲۰. یک میزان و ملاک برای سنجش ایمان افراد بنویسید.

۲۱. چه وقت انسان کمتر گناه می کند؟ پاسخ: زمانی که ایمانمان به خدا قوی تر و ارتباط معنوی بهتری با او داریم.

۲۲. انسانی که ایمان ضعیفی دارد چرا باید ایمان خود را تقویت کند؟

۲۳. توجه به شخصیت آلوده و وحشتناک فردای گناه کردن باعث چه چیزی می شود؟



۲۴. دو مورد از پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت را بنویسید؟ پاسخ: توجیه گناه و عادت کردن به آن

۲۵. چرا انسان ها نباید فکرش را به گناه مشغول کند؟

ابتدا تن به گناه می دهد و پس از آنکه به گناه آلوده شد و خود را به آن عادت داد، آن تنفر اولیه را نیز فراموش می کند. (توجیه) گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.

۳- هریک از ما با تجربه هایی که در این زمینه داریم می توانیم بررسی کنیم که آیا در مواقعی که ارتباط معنوی بهتری با خدا داریم و ایمانمان به خداوند قوی تر است، بیشتر گناه می کنیم یا در حالی که توجهی به خدا نداریم و از او غافلیم؟

همچنین دوستان و هم کلاسی های ما نیز نمونه های خوبی برای بررسی این مسئله و رسیدن به پاسخ مناسب هستند. آیا دوستانی که واقعاً اهل نماز و روزه اند، بیشتر گناه می کنند یا دوستانی که کمتر به نماز و روزه خود توجه دارند؟

فکر گناه

۲۵ (هرکس، چه مؤمن و چه کافر، فکرش را به سوی گناه ببرد و درباره صحنه های گناه فکر کند، گرفتار

آن می گردد.) امام علی علیه السلام می فرماید:

زیاد فکر کردن به گناه زمینه ساز رفتن به سوی گناه

عَلَّتْ مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا. (معلول)

کسی که درباره معاصی زیاد فکر کند، گناهان او را به سوی خود می کشانند.

۲۵ (گرچه فکر گناه، مانند انجام گناه نیست و مجازات گناه را ندارد، اما زمینه ساز رفتن به سوی گناه

است.) امام صادق علیه السلام در این باره سخنی را از حضرت عیسی علیه السلام بیان می کنند که ایشان به حواریون

خود فرمود: «موسی بن عمران به شما دستور داد که زنا نکنید اما من به شما فرمان می دهم که حتی

فکر زنا را نیز به خاطر نیاورید چه رسد به اینکه آن عمل را انجام دهید» (۲۶) زیرا هرکس که فکر آن را بکند

مانند کسی است که در ساختمانی آتش روشن کند که در این صورت دود آتش، خانه را سیاه می کند،

گرچه ظاهر خانه سالم است.) (۲۶)

نکته:

حضرت موسی (ع) < زنا نکنید

حضرت عیسی (ع) < فکر زنا هم نکنید

بدتر از گناه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: چهار رفتار نسبت به گناه از خود گناه بدتر است:

۲۷ (۱) - کوچک شمردن گناه (مثلاً وقتی نگاه هوس آلود به نامحرم می کنیم، یا با پوشش نامناسب در

اجتماع حاضر می شویم، برای راحتی وجدان بگوییم اینکه چیزی نیست، دیگران گناهان بزرگ تر از

این را انجام می دهند.)

۲۶. حضرت عیسی (ع) فکر کردن به گناه را به چه چیزی تشبیه کرده است؟

۲۷. طبق فرموده پیامبر اکرم (ص) چهار رفتار نسبت به گناه از خود گناه بدتر است، در مورد آن را بنویسید. فرداد ۹۹ انسانی



۲۸. گناهان به چند دسته تقسیم می شوند؟ پاسخ: ۲ دسته: گناهان صغیره و گناهان کبیره

۲۹. گناهان کبیره چگونه گناهی هستند؟

۳۰. زمینه ساز رفتن به سوی گناهان کبیره چیست؟ پاسخ: عادت و تکرار گناهان صغیره فردار ۹۸ انسانی

۲- افتخار کردن به گناه (مثلاً بگویم، وقتی که فلان شغل را داشتم فلان رشوه را گرفتم و هیچ کس نفهمید.)

۳- شادمانی کردن بر گناه (مثلاً بعد از گناه خوشحالی کنیم و بگویم چه کلاهی سر او گذاشتم.)

۴- اصرار بر گناه (بگویم خوب کردم که رشوه گرفتم، باز هم رشوه می گیرم.) ^{۲۷}

گناهان صغیره و کبیره

در یک تقسیم بندی، گناهان به دو دسته صغیره و کبیره تقسیم می شوند. ^{۲۹} گناهان کبیره گناهی هستند که آثار سوء و زیان بار آنها به مراتب از گناهان صغیره بیشتر است. تعداد گناهان کبیره در آیات و روایات به طور دقیق تعیین نشده فقط می توان گفت که برخی از گناهان حتماً از جمله گناهان کبیره هستند. ^{۲۹}

عادت و تکرار گناهان صغیره زمینه ساز رفتن انسان به سمت گناهان کبیره است. از این رو امام رضا علیه السلام می فرماید:

«گناهان کوچک راه هایی برای گناهان بزرگ اند و کسی که در [گناهان] اندک از خدا ترسد، در [گناهان] بسیار نیز نخواهد ترسید»^۲

از این رو، یکی از گناهان کبیره، کوچک شمردن گناهان صغیره دانسته شده است.

مفهوم حدیث امام رضا (ع): رابطه ی میان گناهان صغیره و گناهان کبیره

معلول

علت

کتمان گناه

در تعالیم دین توصیه شده است که اگر کسی به هر علتی گناهی را انجام داد، نباید گناهِش را برای دیگران بیان کند. ^{۳۲} زیرا با اظهار گناه، زشتی آن در نظر او و دیگران از بین می رود و انجام گناه امری عادی جلوه می کند. ^۵ اگر در جامعه ای گناه، زشتی خود را از دست دهد، فساد در آن جامعه به سرعت گسترش می یابد. ^{۳۲} از این رو کسانی که در فضای مجازی یا در صحبت با دوستان خود، به راحتی گناهان خود را با دیگران در میان می گذارند گناه بزرگ دیگری را علاوه بر گناه قبلی، برای خود ثبت می کنند،

^{۳۳} (زیرا باعث ترویج آن گناه می شوند) خداوند در قرآن کریم می فرماید: ^{۳۳} اشاعه ی فحشا از نمونه های ترویج سنت های بد بین مردم است. و این اعمال مآخراست.

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...^۶

بی گمان، کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت در میان مؤمنان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک دارند.

در میان گذاشتن گناه خود با دیگران نمونه ای از ترویج گناه

۱- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۱، ص ۳۶۷.

۲- این تقسیم بندی ناظر بر آیه ۳۱ سوره نساء است که می فرماید «إِنْ تَجْنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُهَوَّنُ عَنْهُ، نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمًا».

۳- برخی از گناهان کبیره عبارت اند از: شرک به خدا، یأس از رحمت الهی، عاق والدین، قطع رحم، رباخواری، زنا، لواط، کم فروشی، فرار از جهاد، کمک به ستمکاران، یاری نکردن به ستم دیدگان، اسراف، ترک یکی از واجبات، اصرار بر گناه، غیبت، بهتان، ریختن آبروی دیگران، احتکار، کبر، دشمنی با مؤمنین، کفران نعمت (برای توضیح بیشتر به کتاب «گناهان کبیره» از آیت الله شهید دستغیب مراجعه کنید).

۴- «الصَّغَائِرُ مِنَ الذُّنُوبِ طُرُقٌ إِلَى الْكِبَائِرِ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ فِي الْقَلِيلِ لَمْ يَخَفْهُ فِي الْكَثِيرِ»؛ عیون أخبار الرضا، صدوق، ج ۲، ص ۱۸۰.

۳۱. در آیات و روایات تعداد گناهان کبیره به طور دقیق مشخص نشده اند. ص ☒ غ ☐

۳۲. چرا اگر کسی به هر علتی گناهی انجام داد، نباید گناهِش را برای دیگران بیان کند؟ فردار ۹۹ انسانی

۳۳. چرا افراد با بیان گناه شان در فضای مجازی دچار گناه بزرگی می شوند؟

۳۴. آثار نامطلوب گناه بر روی زندگی دنیوی و اخروی را نام ببرید؟ ۱. قساوت قلب ۲. سلب توفیق ۳. از بین بردن آرامش خاطر

۳۵. قساوت قلب چیست؟ و آن چگونه به وجود می آید؟

۳۶. تکرار گناه چگونه موجب قساوت قلب می شود؟

آثار گناه

گناهان، آثار نامطلوبی بر زندگی دنیوی و اخروی ما دارند که به سه مورد آن اشاره می کنیم :

۱- قساوت قلب^{۳۵}: قساوت^۱ قلب حالتی است که قلب انسان نسبت به حق تسلیم نیست، تا آنجا

به این صورت که

که نصیحت هیچ نصیحت کننده در او اثر نمی کند. این حالت با تکرار گناه پیدا می شود؛ ^{۳۵} (قلب با

تکرار گناه، به تدریج چنان سخت می شود که دیگر انجام هیچ گناهی او را ناراحت نمی کند) ^{۳۶} قرآن کریم

به گناهکاران خطاب می کند و با مثالی وضع آنان را توضیح می دهد: ^{۳۷} **اشاره به قساوت قلب از آثار انجام گناه**

«سپس دل هایتان پس از آن سخت شد، همانند سنگ با سخت تر از سنگ، زیرا که از بعضی سنگ ها جویباران

می شکافد و از بعضی از آنها آب بیرون می آید و برخی از آنها از عظمت و خشیت خداوند فرو می افتد.»^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: «هیچ چیز مانند گناه دل را فاسد نمی کند. همانا قلب آلوده به گناه می شود تا

جایی که بر اثر استمرار، گناه بر آن چیره می شود و آن را زیر و رو می کند.»^۳

۲- سلب توفیق^{۳۷}: (وقتی انسان مرتکب گناه می شود، علاوه بر آثار مستقیم گناه، توفیقی نیز از او

سلب و دری از خیر به روی او بسته می شود. همین محرومیت چه بسا سرچشمه محرومیت های بعدی

می شود؛ مگر اینکه شخص پس از انجام گناه، قلباً پشیمان شود و با توبه به درگاه الهی بازگردد.) ^{۳۷}

۳- از بین بردن آرامش خاطر: گناه، بر وجدان انسان اثر می گذارد و شخص را از درون ناراحت

می کند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «گاهی، یک لحظه گناه، اندوه طولانی به دنبال دارد.»^۴

اگر گناهکار، در همین مرحله توبه کند، خود را از اندوه درونی نجات داده است. اما اگر گناه را

تکرار کند، برای راحت کردن وجدان خود، پیوسته دست به توجیه می زند تا بالاخره بر وجدان خود

چیره شود و گناه را به آسانی انجام دهد. **از بین رفتن آرامش خاطر از آثار انجام گناه**

اشاره به قساوت قلب از آثار انجام گناه در ۹۱ انسانی

خودارزیابی

حالت خود را هنگام نافرمانی از خداوند بررسی کنید و ببینید.

۱- به کدام خطا عادت کرده اید و علت آن چیست؟

۲- به آثار سوء آن خطا آشنا هستید و می دانید چه اثری بر جا می گذارد؟

۳- هنگام انجام آن خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟

۱- قساوت در لغت به معنای سخت، خشن و نفوذناپذیر است، از این رو به سنگ های سخت، «قسی» گفته می شود.

۳۷. سلب توفیق که از آثار نامطلوب گناه است به چه معناست؟

۳۸. تاثیر گناه بر وجدان انسان و ایجاد ناراحتی درونی فرد در ۹۹ انسانی

(۱) قساوت قلب ☐ (۲) از بین بردن آرامش خاطر ☒

۳۹. چرا انسان باید به محض ارتکاب گناه توبه کند؟

۹۰

پاسخ: زیرا با توبه از اندوه درونی نجات می یابد و گرنه دائماً گناهش را توجیه می کند تا وجدانش را شکست

دهد و بعد از آن راحت گناه می کند.

